

حکیم \* مریم شاه پسندی

## حکیم با شلواری زاپ‌دار

### حکیم و لباس نو

آن مرد گذر کرده از زمان، همان پیر پیران فوتوت و فرسوده، آن آب اجل قورت داده و برگردانده، حکیم خودمان بیکار نشسته بود یک گوشه و گذر عمرش را نگاه می‌کرد. بعد از مدتی احساس کرد که گذر عمرش خیلی طولانی شده است، پس دیگر نگاه نکرد و به دنبال تغییر و تحولی گشت. پس به جای این که دست خانم بچه‌ها را بگیرد و ببرد یک گوشه‌ای پیک نیک، به بازار بلاد رفت و به دنبال البسه نو برای عیدش گشت. چرخید و چرخید و چرخید و هیچ نیافت. آن قدر چرخید که حالت تهوع نیز گرفت. پس این بار عزمش را جمع کرد که ماشین قراضه زمانش را آتش کند و تشریف فرما شود به زمان ما. القصه! وقتی حکیم پایش را در خیابان‌های تهران گذاشت، یک عکاس خیابانی پرید جلوی او و چون استایل حکیم برایش عجیب، غریب و خاص بود، اصرار داشت که از او عکس بگیرد. حکیم که نفهمیده بود استایل یعنی چه، یک نگاه به عکاس و دوربینش انداخت. با خودش فکر کرد اگر این عکاس است، پس آنچه ما داریم چیست؟! پس با خودش گفت: «لابد نیرنگی در کار است». و این طور شد که یک کشیده خواباند در گوش عکاس و پا گذاشت به فرار.

### حکیم در بازار تهران

باید بپرسید مگر استایل حکیم چه بود که عکاس پسندید؟ نقل این ماجرا برمی‌گردد به اولین باری که حکیم خواست از بازار تهران کنونی البسه تهیه کند. پایش را در اولین حجره گذاشت و گفت: «از برای خودم تنبان و جامه‌ای وزین می‌خواهم». حجره‌دار هم با یک لیخند کشدار، هرچه تنبان جین داشت برای حکیم ردیف کرد. شاید با خودتان فکر کنید که لابد حکیم از جین بودن تنبان‌ها تعجب کرد اما او قرتی‌تر از این حرف‌ها بود. پس یکی از پاره‌ترین مدل‌هایش را انتخاب کرد و پوشید. بعد هم یک کت خردار صورتی با خال‌های آبی انتخاب کرد و یک کفش کالج بدون جوراب قهوه‌ای هم ضمیمه‌اش شد. القصه! تیر آخر این شکل و شمایل را با خرید یک کلاه نمدی زد. معتقد بود که کلاه، فقط نمدی‌اش خوب است و انواع دیگرش به سمن بخش نمی‌آرزد. این طور بود که حکیم توانست جامه‌ای وزین و تنبانی در شأن پیدا کند. همچنین او فهمید که رنگ استایلش، صورتی با خال‌های آبی است. البته حکیم چندباری این لباس‌هایش را در بلاد خودش هم پوشید اما از آنجا که با او برخورد بدی کردند (آن قدر که قابل شرح و توضیح نیست)، تصمیم گرفت که اینها را تنها برای سفرهای ویژه‌اش به تهران انتخاب کند. البته یک بار از این تنبان‌های پاره برای خانم بچه‌ها هم تهیه کرد اما خانم بنده خدایش فکر کرد دستمال کهنه است و از همان‌ها دستگیره‌هایی بسیار کاربردی درست کرد.

### حکیم و مدفرنگی

در این سفرهای به تهران، علاقه و توجه به بلاد خارجه تا پوست و گوش و استخوان حکیم هم نفوذ کرد و به خودش آمد و دید که تا خرخره فرنگ زده شده است. اوضاع آن قدر بیخ پیدا کرد که یک روز کامل چشم بازار را کور کرد تا یک جامه با تصویر «هری استایلز» پیدا کند، بعد که دید پیدا نمی‌شود، به مرحوم «مایکل جکسون» رضایت داد. بعد هم در به در، به دنبال حنای سبزیس‌های بانو «بیلی آیلش» گشت که برای خانم بچه‌ها تحفه ببرد اما بخت یاری‌اش نکرد. چون هربار که با آن شکل و شمایل به حجره‌های سرخاب سفیدآب رفت و گفت: «حنای سبزیس به سان بانو بیلی آیلش خواستارم»، او را با اردنگی پرت کردند بیرون. شاید بپرسید پس مشکلات مالی حکیم چه؟ مگر می‌شود کسی در بازار جامه‌های رنگین تهران بگردد و به مشکلات مالی برخورد نکند؟ باید بگویم که خیر! حکیم هم به مشکلات مالی برخورد، به هرحال آب کردن پیشیزها و تبدیل آنها به تومان، کار هر کسی نبود و صرفا از انسانی مثل حکیم برمی‌آمد. اما این تنها مشکل حکیم نبود. او هربار که به بازار می‌رفت، خیال می‌کرد که حجره‌دارها قصد دارند جامه‌ها را در پاچه‌اش بکنند و دولا پهنای حساب کنند. بخت برگشته فکرش را هم نمی‌کرد طی دو روز قیمت‌ها بالا رفته باشد، پس هر بار در همان ابتدای امر، با چند حجره‌دار دعواش می‌شد و وقتی کار بیخ پیدا می‌کرد، خودش را به غش و ضعف می‌انداخت تا کتک بیشتری نخورد.

### حکیم در هفته مد پاریس

چندباری که حکیم در خیابان‌ها گیر عکاس‌های خیابانی افتاد، با خودش فکر کرد لابد چیز خاصی شده است که همه می‌خواهند از او عکس بگیرند. پس تلاش کرد که پا در دنیای مدلینگ بگذارد اما چون پایش بوی گند می‌داد، دنیای مدلینگ اجازه نداد که او پا در آن بگذارد. البته حکیم پیگیرتر از این حرف‌ها بود، او با بعضی‌ها تباخی کرد و پول داد تا در دنیای مدلینگ پا بگذارد. حکیم در دوره‌های «چگونه مادلینگ شویم» شرکت کرد و حتی در بیو تلگرافش نوشت: «مادلینگ». اما اثرگذار نبود. پس احساس کرد که در تهران کسی قدرش را نمی‌داند، پس با همان تیپ و شمایی که اولین بار خریداری کرده بود و برای تان شرح دادم، ماشین زمان و مکانش را باهم آتیش کرد و تشریف فرما شد به پاریس. شاید خیال کنید که دست حکیم در پوست گردو ماند و آنجا کسی تحویلش نگرفت اما سخت در اشتباهید! حکیم با همان تیپ و شمایل چنان کت و کتی در پاریس اجرا کرد که از آن لحظه به بعد، آموزش‌های «چگونه راه برویم» گریه‌سان‌ها براساس حرکت پاهای حکیم آیدیت شده است.

۱

۲

۳

۴

برگسبز خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۲ رنگ نقره‌ای متالیک با شماره موتور 124K0214106 و شماره شاسی NAAM01CA3DK624153 و شماره پلاک ۲۹ ی ۵۴۸ ایران ۳۸ بنام عزت‌اله بخشی‌پور نیکفرد مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کمپانی وسیله نقلیه ام وی ام ۱۱۰ سال ساخت ۱۳۹۳ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور MVM472FGE038596 و شماره شاسی NATEBAFB3E1017012 پلاک انتظامی ۶۸۸ ص ۲۶ ایران ۱۵ به نام مصطفی پسرکار خطیبی با کدملی ۱۳۷۷۲۷۹۰۰۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مهر شرکت دیاکو پارس ایرسا مدیرعامل سیدابراهیم میرباقری به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۷۴۹۶۶۹ و شماره ثبت ۶۳۴۷۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

پروانه مسئول فنی مرضیه اسدی‌پور فرزند محمد جعفر ش.ش ۳۴ صادره از خرم‌آباد مسئول فنی موسسه ساخت و فروش عینک فارابی شماره ۴۰۲۹۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

### آگهی مزایده عمومی

(هتل بزرگ سفید کنار بندر انزلی)

«مرحله اول»

هتل سفید کنار بندر انزلی در نظر دارد کلیه غرفه‌های بازی و سرگرمی در اختیار خود را (شامل غرفه کرایه دوچرخه، موتور چهارچرخ، قایق جت اسکی، کلوپ بازی‌های کامپیوتری، فروشگاه صنایع دستی، کافی‌شاپ ساحلی) از طریق مزایده به صورت برونسپاری واگذار نماید.

از علاقه‌مندان دعوت به عمل می‌آید تا ضمن بازدید حضوری از محل، پیشنهادات خود را جهت شرکت در مزایده حداکثر تا ۱۰ روز پس از درج آگهی اعلام نمایند.

آدرس: بندر انزلی، کیلومتر ۵ جاده آستارا بالاتر از بشمن، هتل سفید کنار  
شماره تماس: ۰۹۱۱۸۶۶۵۵۲ و ۰۱۳-۴۳۹۱

### آگهی دعوت شرکت آیتا تجارت زرین تکین (با مسئولیت محدود)

به شماره ثبت ۱۵۱۷ و شناسه ملی ۱۴۰۱۲۳۶۵۲۱۱ بدینوسیله از آقای ابراهیم ارتم کارجا (İbrahim Ertem Karaca) دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که راس ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ در نشانی: اردبیل، شهرک صنعتی ۲، میدان تلاش، خیابان شمشاد ۵ تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

- ۱- انتخاب و تعیین تعداد و سمت اعضای هیات مدیره
- ۲- تغییر مدیرعامل
- ۳- تغییر آدرس
- ۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت
- ۵- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

هیات مدیره شرکت